

تاریخ گذاری سوره حج

درنگی در مکی یا مدنی بودن سوره و نقش آن در تفسیر*

ابراهیم اقبال (نویسنده مسؤول)**

عبدالهادی فقهی زاده***

چکیده:

سوره حج از جمله سوره‌هایی است که محققان درباره زمان نزول و مکی یا مدنی بودن آن اختلاف دارند. پیدایش این اختلاف، متأثر از مطالب سوره و روایات ترتیب نزول است. با این همه، بیشتر روایات ترتیب نزول، به نزول سوره حج در مدینه دلالت دارند. در این میان، قول مشهور مفسران، مکی بودن و قول جمهور آنان، آمیخته‌ای از مکی و مدنی بودن را نشان می‌دهد؛ چنان‌که بیشتر روایات سبب نزول، بر مدنی بودن تأکید می‌کنند و ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی نیز بیشتر مدنی بودن این سوره را نشان می‌دهند. به هر حال در مقاله حاضر، با جمع روایات و سخنان گوناگون و تحلیل و نقد آنها، مدنی بودن سوره حج را مدلل کرده و به تاریخ‌گذاری صحیح آن دست یافته‌ایم؛ امری که با روشن ساختن تاریخ و فضای نزول سوره، به تفسیر و شناخت درست و دقیق مضامین آن و برگزیدن و اعتبار دادن به روایات و اقوال راویان و عالمان و مفسران در مباحث مختلف و مرتبط با سوره، همانند مکی یا مدنی بودن، ترتیب نزول، فضایل، اسباب نزول، آیات احکام و... و کنار گذاشتن نقل‌ها و نظرهای ناصواب و اظهار نظر درست، کمک خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ‌گذاری / سوره حج / ترتیب نزول / اسباب نزول

* تاریخ دریافت: 1393/10/28، تاریخ تأیید: 1394/7/25.

eeghbal@ut.ac.ir

** استادیار دانشگاه تهران

faghhizad@ut.ac.irail.com

*** دانشیار دانشگاه تهران

طرح مسأله

تاریخ‌گذاری یا تعیین زمان و ترتیب تاریخی نزول هر یک از سوره‌ها یا بخش‌های آن به کمک روایات ترتیب نزول، مکی و مدنی، اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، تاریخ پیامبر اکرم ﷺ و تصریحات و تلویحات خود قرآن به رویدادهای عصر بعثت، از علوم و مباحث بااهمیت در شناخت قرآن مجید و ترجیح آرای تفسیری و ردّ اقوال نادرست به‌شمار می‌رود. هر چند عنوان تاریخ‌گذاری، جدید و معاصر است، اما علوم زیربنایی آن به گزارش‌های مربوط به صدر اسلام باز می‌گردد.

بر اساس مطالب طرح شده در این علوم، بسیاری از سوره‌های قرآن به اتفاق نظر دانشمندان، مکی است و تعداد کمتری بدون اختلاف، مدنی است، ولی در مکی و مدنی بودن (یا مکان و زمان نزول) چند سوره‌ای اختلاف شده است. سوره حج در زمره این چند مورد قرار دارد که گروهی از محققان، با کم‌توجهی به منابع و مآخذ و شواهد مربوط، به مکی بودن سوره حکم داده‌اند. بر این اساس، مسأله تحقیق حاضر آن است که چگونه می‌توان با گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل مطالب در حوزه روایات ترتیب نزول سوره‌ها، نظریات گوناگون در خصوص مکان نزول آنها، اسباب نزول و نیز ضوابط و خصایص مکی و مدنی، به تاریخ‌گذاری صحیح یک سوره نایل آمد و اختلاف را از سوره‌هایی اندک برطرف ساخت؟ این مقاله با بررسی موردپژوهانه سوره حج، در صدد پاسخگویی به این مسأله است.

روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن

روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم که غالباً آنها را در دو بخش مکی و مدنی گزارش می‌کنند، بخشی از آثاری است که در تعیین مکان و زمان نزول سوره‌ها یا تاریخ‌گذاری آنها مورد استناد قرار می‌گیرند.

الف) گزارش و بررسی روایات

در این بخش و در دو قسمت جداگانه، این روایات مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرند. نخست این روایات - که به چند تن از صحابه و تابعان می‌رسند - به ترتیب



تاریخی راویان و منابع یادکرد آنها، مورد بررسی واقع می‌شوند و وضعیت سوره حج در آنها مشخص می‌گردد.

1. روایت عبدالله بن عباس (68ق)

روایت ابن عباس از چند طریق نقل شده است:

یکم. طریق عثمان بن عطاء از پدرش (عطاء خراسانی، 135ق): ابن ضریس این روایت را از طریق فوق به صورت کامل نقل کرده است. در این روایت، حج، هجدهمین سوره در بخش مدنی است که بین دو سوره نور و منافقون قرار دارد (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، 42/1).

دوم. طریق ابن جریر (80-150ق) از عطاء خراسانی (135ق): ابن ندیم روایت را از این طریق گزارش کرده است. بر اساس این گزارش، حج در زمره سوره‌های مدنی و میان سوره نور و منافقون قرار دارد (ابن ندیم، 43).

سوم. طریق مجاهد (104ق): ابوجعفر نحاس از طریق مجاهد، اظهار نظر ابن عباس را درباره مکی و مدنی بودن سوره‌ها به ترتیب کنونی قرآن، در بحث از آیات ناسخ و منسوخ آورده است (نحاس، 131-261). بر این اساس، حج به استثنای آیات 19 تا 21، مکی به‌شمار می‌رود (همان، 184).

2. روایت جابر بن زید (21-93ق)

این روایت را سیوطی با ذکر سند یاد کرده است. در این روایت، سوره‌ها در دو بخش مکی و مدنی، به صورت جداگانه و با حرف عطف «ثم» که بیانگر ترتیب نزول است، گزارش شده‌اند که سوره حج در این میان، در بخش سوره‌های مدنی بین نصر و منافقون قرار دارد (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، 96/1).

3. روایت عکرمه (20-105ق) و حسن بصری (110ق)

بیهقی روایت این دو تابعی را با سند علی بن حسین بن واقد، از پدرش، از یزید نحوی، از آن دو آورده است. بر اساس این سند، حج در دسته دوم و میان نور و منافقون جای دارد (سیوطی، الاتقان، 40؛ همو، التحبیر فی علم التفسیر، 34-35).

4. روایت قتاده (118ق)

ابوبکر بن انباری روایت قتاده را یاد کرده است. راوی، 26 سوره مدنی را به ترتیب کنونی قرآن برشمرده و دیگر سوره‌ها را مکی دانسته است. در این میان، حج سوره هشتم مدنی و بین نحل و نور واقع است (سیوطی، الاتقان، 44/1؛ همو، التحبیر، 35).

5. روایت محمد بن مسلم زهری (50-124ق)

وی در رساله «تنزیل القرآن بمکة و المدینة» که تنها مشتمل بر همین روایت است، در بخش مکی، 85 سوره را با حرف عطف «ثم» و در بخش مدنی، 29 سوره را به همان ترتیب نقل کرده است. در این اثر، سوره حج، نوزدهمین مورد از مجموع 29 سوره مدنی است که پس از نصر و پیش از منافقون قرار دارد (زهری، 88-93).

6. روایت علی بن ابی طلحه

ابوعبید قاسم بن سلام روایت او را به نقل از عبدالله بن سالم، از معاویة بن سلام، از علی بن ابی طلحه آورده است. راوی، 24 سوره مدنی را برشمرده و دیگر سوره‌ها را مکی دانسته است. در این میان، سوره حج هفدهمین سوره مدنی است که بین توبه و نور گزارش شده است (هروی، 221).

7. روایت عطاء بن ابی مسلم خراسانی (135ق)

ماوردی روایت عطاء را با ذکر سند آورده و آن را بهترین روایت در این باب خوانده است. وی حج را میان 27 سوره مدنی قرار داده که سوره هجدهم بین نور و منافقون است (غزال، 62-63).

8. گفتار ابن جوزی (597ق)

ابن جوزی در این باب، سخن ابن شیطان را نقل کرده است مبنی بر آنکه از سوره‌های قرآن، 29 سوره مدنی است که حج در این میان قرار دارد (ابن جوزی، فنون الأفتان، 160).



9. سروده ابن حصار (611ق)

ابن حصار که سوره‌های مدنی مورد اتفاق را بیست سوره و سوره‌های اختلافی را دوازده مورد و دیگر سوره‌ها را به اتفاق مکی دانسته و در ابیاتی دو دسته نخست را به نظم کشیده، از سوره حج نامی به میان نیاورده است (سیوطی، الاتقان، 44/1؛ همو، التحبیر، 33).

10. ترتیب زرکشی (794ق)

زرکشی در این زمینه تنها یک دیدگاه را بدون ذکر سند و منبع - ولی به تصریح خود او - بر پایه روایت افراد موثق ارائه داده است. وی 85 سوره را در بخش مکی و 28 سوره را در بخش مدنی به ترتیب آورده است. بر این اساس، وی حج را در زمره سوره‌های مدنی و هجدهمین سوره از این مجموعه برشمرده است (زرکشی، 280/1).

11. اقوال سیوطی (911ق)

سیوطی اقوال متعددی را درباره مکی و مدنی بودن سوره‌ها نقل کرده است. در این میان، از هشت گفتار، تنها در دو مورد به مکی بودن حج اشاره شده و در دیگر موارد، از مدنی بودن سخن رفته است (الاتقان، 45-38/1 و 96). وی در فصل گزارش سوره‌های اختلافی، حج را در آن زمره نیز برشمرده است (همان، 48).

ب) تحلیل و نقد

سند روایات پیش گفته غالباً به ابن عباس یا شاگردان بی‌واسطه او همچون مجاهد، عکرمه، حسن بصری یا شاگردان باواسطه وی همچون زهّری و عطاء خراسانی می‌رسد. ابن عباس نیز به احتمال قوی، ترتیب خود را از صحابه پیش از خود همچون ابی‌بن کعب، ابن مسعود و به‌خصوص امام علی 7 گرفته است؛ چنان‌که بنا به نقلی، او از ابی‌بن کعب در خصوص نزول سوره‌ها در مدینه سؤال کرده است (همان، 38).

در بیشتر این روایات که ضمناً بیانگر ترتیب نزول سوره‌ها نیز هست، سوره منافقون پس از حج گزارش شده است؛ به‌جز دو مورد که نور جایگزین گردیده است. اما

اختلاف در سوره قبلی آن بیشتر است. در پنج مورد نور، در دو مورد نصر، یک مورد نحل و یک بار توبه گزارش شده است.

بیشتر این روایات و گفتارها، مدنی بودن حج را می‌رساند. اما دو مورد، مکی بودن آن را تأیید می‌کند که در مقابل روایات و اقوال متعدد دال بر مدنی بودن، قابل اعتنا نیست؛ چنان‌که گفتار نحاس در گزارش روایت ابن عباس از طریق مجاهد، با روایت او از طریق عطاء خراسانی و نیز با روایت دیگر تابعان در تضاد است. برای سروده ابن حصار نیز دلیلی برای اعتبار وجود ندارد؛ ضمن آنکه با اقوال گروهی از علما مخالف است.

روایات و گفتار مفسران درباره زمان نزول سوره حج

مفسران غالباً در آغاز تفسیر هر یک از سوره‌های قرآن، روایات موجود درباره نزول هر سوره و آیات آن را یادآور شده و گاه به اجتهاد و اظهار نظر پرداخته‌اند. سوره حج نیز داخل در این مجموعه است.

الف) گزارش و بررسی روایات و سخنان

در این قسمت نیز نخست روایات و گفتار مفسران به ترتیب تاریخی نام راویان گزارش می‌شوند.

1. روایت ابن عباس (68ق)

مفسران با استناد به روایت ابن عباس دچار اختلاف شده‌اند. ابن عطیه: مکی، به جز آیات 19-21 و به نقلی دیگر آیات (105/4). طبرسی: از طریق عطاء، مکی، به جز چند آیه (109/7). ابن جوزی: از طریق ابوصالح، مکی، به جز دو آیه 11 و 12، بدون طریق، مدنی، به جز آیات 52-55 (زادالمسیر، 220/3). قرطبی: مدنی و در نقلی دیگر مکی، به جز آیات 19-21 و یا 19-22 (1/13). اندلسی: مکی، به جز آیات 19-21 و یا 19-22 (481/7). ثعالبی: مکی به جز آیات 19-21 (106/4). سیوطی: به نقل از ابن مردویه، مدنی (الدر المثور، 342/4). آلوسی: به نقل از ابن مردویه، مدنی و از طریق مجاهد، مکی، به جز آیات 19-21 و یا 19-22 (105/9). ابن عاشور: مدنی، به جز آیات 52-55. از طریق عوفی مدنی است، مکی به جز آیات 19-21 (132/17).



2. گفتار ابن زبیر (1-73ق)

سخن ابن زبیر را در مدنی بودن سوره، اندک مفسرانی یاد کرده‌اند: سیوطی به نقل از ابن مردویه (الدر المنتور، 342/4)، آلوسی مانند سیوطی (105/9) و ابن عاشور از طریق مجاهد (133/17).

3. روایت ضحاک (100ق)

روایت ضحاک مبنی بر مدنی بودن سوره حج را این افراد گزارش کرده‌اند: ابن عطیه (105/4)، قرطبی (1/13)، اندلسی (480/7)، آلوسی به نقل از ابن مردویه، (105/9)، ابن عاشور به جز آیات 52-55 (132/17).

4. قول مجاهد (104ق)

روایت او را این افراد نقل کرده‌اند: قول طوسی بر مدنی بودن و دیگر موارد بر مکی بودن به جز آیات 19-21 دلالت دارد (طوسی، 287/7). موارد مکی: ابن عطیه (105/4)، قرطبی (1/13)، اندلسی (480/7)، ثعالبی (106/4) و ابن عاشور (132/17).

5. سخن حسن بصری (110ق)

روایت حسن را دو تن از مفسران آورده‌اند: طبرسی: مدنی بودن، مگر آیاتی که در سفر نازل شده است (109/7)، ابن عاشور: مدنی بودن، به جز آیات 52-55 (132/17).

6. قتاده (118ق)

قول قتاده در کلام گروهی از مفسران بر مدنی بودن سوره به جز آیات 52-55 دلالت دارد (طوسی، 287/7؛ ابن عطیه، 105/4؛ قرطبی، 1/13؛ اندلسی، 480/7؛ سیوطی، الدر المنتور، 342/4؛ آلوسی، 105/9؛ ابن عاشور، 132/17).

7. سخنان مفسران

گروهی از مفسران بدون ذکر سند یا در اجتهاد شخصی اظهار نظر کرده‌اند که قول مشهور در گفتار آنان، مکی بودن به جز آیات 19-24 و قول جمهور، آمیخته‌ای از مکی و مدنی است. مقاتل: مکی به جز ده آیه مدنی: 1-2، 11، 25، 39-40، 54، 58-59

(113/3). سمرقندی: مکی با 75 آیه و سه آیه مدنی (447/2). ثعلبی: قول مشهور (5/7). بغوی: قول مشهور (321/3). زمخشری: قول مشهور (141/3). طبرسی: مدنی (109/7). فخر رازی: قول مشهور (199/23). قرطبی: نظر جمهور (1/13). نیشابوری: قول مشهور (64/5). بغدادی: قول مشهور (247/3). اندلسی: قول جمهور (480/7). بیضاوی: قول مشهور (64/4). ثعالبی: قول جمهور (106/4). سیوطی: مدنی (الدر المنثور، 342/4). حقی برسوی: قول مشهور (22/6). مظهری: قول جمهور (250/6). آلوسی: صحیح‌تر قول جمهور (105/9). ملاحویش: مدنی (157/6). مراغی: مدنی، به‌جز آیات 52-55، و صحیح‌تر، آمیخته‌ای از مکی و مدنی (83/17). ابن عاشور: نظر جمهور (133/17). زحیلی: مدنی (التفسیر المنیر، 149/17؛ التفسیر الوسیط، 1624/2). سید قطب: مشترک مکی و مدنی (2405/4). طنطاوی: همانند سید قطب (267/9).

ب) تحلیل و نقد

سند بیشتر روایات در این خصوص نیز به ابن عباس و شاگردان بی‌واسطه یا باواسطه وی می‌رسد. قول مشهور مفسران، بدون سند و مطابق با یکی از روایات ابن عباس و چه بسا متأثر از آن است، چنان‌که رأی هیچ راوی و مفسری به مکی بودن همه سوره قرار نگرفته، اما عکس آن صادق است.

با توجه به روایات این دسته از صحابه و تابعان و مفسران، مدنی بودن همه سوره حج یا بیشتر آیات آن به دست می‌آید: ابن عباس در برخی روایات (شش روایت)، ابن زبیر هر سه روایت، ضحاک در همه روایات، مجاهد در یک روایت، حسن بصری در هر دو روایت، قتاده در همه روایات، طبرسی، سیوطی، ملاحویش، مراغی و زحیلی.

اما روایات و اقوال مکی بودن حج یا بیشتر آیات آن، قابل نقد است.

1- روایت ابن عباس: روایات مکی بودن بیشتر آیات سوره با روایات مدنی بودن آنها از سوی خود او (1) و با روایت صحابی دیگر (2) و با روایات تابعان و شاگردان بی‌واسطه و باواسطه او (3 و 5 و 6) در تناقض است. نیز مکی بودن با روایات ترتیب نزول منقول از وی مبنی بر مدنی بودن سازگاری ندارد. همچنین روایاتی که از وی در سبب نزول بخش‌هایی از آیات سوره گزارش شده، اخبار مکی بودن را با مشکل مواجه می‌کند.



2- روایت مجاهد: مجاهد چنان‌که در طریق یکی از روایات ابن عباس است (الوسی، 105/9)، در این مسیر پیرو اوست و چون روایت استاد با تردید مواجه است، وضعیت روایت شاگرد روشن است. نیز روایاتی که از او در سبب نزول مدنی بودن بخش‌هایی دیگر از آیات سوره گزارش می‌گردد، قول نخست او را با مشکل همراه می‌سازد.

3- اقوال مفسران: قول مشهور مفسران درباره مکی بودن بیشتر آیات سوره حج بدون سند است و با روایت ابن عباس همسو است. از سوی دیگر، روایات مسند آنان غالباً مدنی بودن را تأکید می‌کند.

روایات سبب نزول

روایات سبب نزول، مقولات دیگری هستند که به شناخت مکی و مدنی و نیز به تاریخ‌گذاری سوره‌ها کمک می‌کنند.

الف) گزارش و بررسی روایات

این روایات در خصوص چندین آیه سوره حج موجود است که سبب نزول چند بخش از سوره را گزارش می‌دهد. برخی از این روایات با ذکر سند و برخی بدون سند، و متن برخی آنها مفصل و برخی مختصر است.

یکم. دو آیه نخست سوره: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ... وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾.

سبب نزول: رسول خدا ﷺ در غزوه بنی‌المصطلق، شبانگاه بانگ برآورد و مردم را دور خود گرد آورد، آن‌گاه این دو آیه را بر آنها قرائت کرد و پیرامون آن روز (قیامت) توضیحاتی داد. به دنبال آن، هیچ شبی به اندازه آن گریه نکردند و چون صبح شد، زمین‌ها را از چهارپایان باز نکردند و هنگام منزل گرفتن، خیمه نزدند و دیگی بر آتش نهندند و گریان و اندوهگین و اندیشناک بودند.

سبب نزول فوق از این افراد ذکر شده است:

1- روایت عمران بن حصین: روایت او را این افراد گزارش کرده‌اند: طبری در جامع البیان، از چند طریق و با ذکر سند، بدون اشاره به غزوه بنی‌المصطلق (86/17)، ابن ابی‌حاتم: نزول در سفر و بدون اشاره به نام جنگ (2472/8)، سمرقندی (447/2)،

ثعلبی (7-6/7)، بغوی (323/3)، طبرسی (112/7)، بغدادی (247/3)، ابن کثیر از طریق قتاده از حسن (342/5)، مظهري (251/6)، آلوسی (107/9).

2- روایت ابوسعید خدری: این روایت را برخی افراد فوق در کنار عمران بن حصین نقل کرده‌اند: ثعلبی، بغوی، طبرسی (همان ارجاعات)، بیضاوی (66/4)، مظهري (251/6)، ملاحویش (157/6).

3- روایت ابن عباس: روایت وی را اندک افرادی آورده‌اند: ابن ابی‌حاتم (2472/8)، سیوطی از طریق کلبی از ابوصالح (الدر المنثور، 343/4).

4- روایت انس: روایت انس را فقط ابن ابی‌حاتم آورده است (2472/8).

5- بدون ذکر سند: سبب یادشده را این افراد بدون سند گزارش کرده‌اند: مقاتل (113/3)، ابن عطیه (105/4)، فخر رازی (200/23)، زحیلی (التفسیر المنیر، 152/17).

دوم. آیات 8-9: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ... عَذَابَ الْأَحْرَاقِ﴾.

درباره این دو آیه سبب نزولی گزارش شده است مبنی بر اینکه نصر بن حارث با ابوجهل بن هشام مجادله می‌کردند و فرشتگان را دختران خداوند دانسته و قرآن را اساطیر پیشینیان می‌خواندند و خداوند را قادر بر زنده ساختن افراد پوسیده و خاک شده نمی‌دانستند. خداوند در آیه 9 به او وعید خواری در دنیا داد و آن دو در جنگ بدر به هلاکت رسیدند.

این سبب نزول از افراد زیر گزارش شده است:

1- روایت ابن عباس: این روایت را افرادی نقل کرده‌اند: طوسی (294/7)، زمخشری (ابوجهل) (146/3)، فخر رازی (206/23)، قرطبی (15/13)، نیشابوری (ابوجهل) (6/5)، اندلسی (ابوجهل) (487/7).

2- روایت مجاهد: روایت مجاهد را نیز اندک افرادی گزارش داده‌اند: ابن ابی‌حاتم (2476/8)، سیوطی (الدر المنثور، 346/4).

3- بدون ذکر سند: افرادی غالباً بدون ذکر سند، به نقل این سبب پرداخته‌اند: مقاتل (117/3)، طبری (92/17)، سمرقندی (450/2)، ثعلبی (9/7)، بغوی (325/3)، ابن جوزی (زاد المسیر، 224/3)، فخر رازی (206/23)، بغدادی (249/3)، حقی برسوی (9/6).



مظهري (257/6)، ملاحویش (160/6)، ابن عاشور (151/17)، زحیلی (التفسیر المنیر، 166/17).

سوم. آیات 11-13: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ... وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ﴾.

درباره این آیات و خصوصاً آیه اول، سبب نزولی گزارش شده است: اعراب بادیه‌نشین در مدینه نزد رسول خدا ﷺ می‌آمدند. برخی از آنان در صورتی که در آن سال بدنشان سالم، اسبشان باردار، زنانشان پسرزا و چهارپایان آنها زیاد می‌شد، می‌گفتند اسلام دین خوبی است و به آن خوشحال و خشنود می‌شدند، اما اگر به آنها سختی می‌رسید و یا زنانشان دختر به دنیا می‌آوردند، ناراحت می‌شدند و اظهار می‌کردند از این دین، خیری به ما نمی‌رسد.

سبب نزول نخست از این افراد روایت شده است:

1- روایت ابن عباس: روایت او را این افراد نقل کرده‌اند: ابن ابی‌حاتم (2476/8)، طبرسی (119/7)، فخر رازی (208/23)، ابن ابی‌کثیر (352/5)، ثعالی (111/4)، سیوطی (اندر المنتور، 346/4)، آلوسی (119/9)، مراغی (93/17)، زحیلی (التفسیر المنیر، 167/17).
2- روایت قتاده: این روایت را طبری (94/17) و ابن ابی‌حاتم (2477/8) و فخر رازی (208/23) گزارش داده‌اند.

3- روایت ضحاک: روایت ضحاک را طبری آورده است (94/17).

4- روایت کلبی: روایت او را نیشابوری نقل کرده است (67/5).

5- بدون ذکر سند: برخی سبب نخست را بدون سند آورده‌اند: مقاتل (117/3)، طبری (93/17)، ثعلبی (9/7)، بغوی (326/3)، زمخشری (146/3)، ابن جوزی (زاد المسیر، 224/3)، بغدادی (249/3)، بیضاوی (66/4)، ملاحویش (162/6).

سبب نزول دیگری که برای این آیه نقل شده، چنین است: فردی یهودی، مسلمان شد. آن‌گاه بینایی، دارایی و فرزندانش را از دست داد. به اسلام خود بدگمان شد و نزد رسول خدا ﷺ رفت و آن حضرت اسلام را سبب پاک گردانیدن مطرح کردند.

چهارم. آیات 19-22: ﴿هَذَانِ حَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ... وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾.

درباره این آیات و به‌ویژه آیه نخست نیز دو سبب نقل شده است. نخست اینکه گفته شده در مورد شش نفر از جنگجویان و مبارزان جنگ بدر که مؤمن و کافر بودند، نازل شد؛ حمزه که عتبه بن ربیع، و علی بن ابی طالب 7 که ولید بن عتبه، و عبیده بن حرث بن عبدالمطلب که شیبۀ بن ربیع را کشتند. برخی در ادامه این روایت یا به صورت جداگانه، نقلی را از امام علی 7 آورده‌اند مبنی بر آنکه ایشان گفته‌اند: «این آیه در مورد ما و مبارزه ما در روز بدر نازل گردید و من اولین کسی هستم که در برابر خداوند و در روز قیامت به خاطر این «خصومت» بر زانو می‌نشینم».

1- این سبب نزول غالباً از ابوذر غفاری، همراه با سوگند او در روایت، توسط این افراد گزارش گردیده است: طبری همراه با گفتار حضرت علی 7 از چند طریق با ذکر سند (99/17)، ابن ابی حاتم همراه با روایت حضرت علی 7 (2479/8)، سمرقندی (453/2)، ثعلبی از طریق قیس بن عباد (13/7)، بغوی (329/3)، طبرسی به نقل از صحیح بخاری (123/7)، فخر رازی (215/23)، نیشابوری (71/5)، اندلسی (495/7)، ابن کثیر (356/5)، سیوطی به نقل از چند منبع و با همان مضمون از ابن عباس و ابوالعالیه و ابن حمید (اندر المثنور، 348/4)، مظهری روایت شیخان از ابوذر و روایت بخاری و حاکم از امام علی 7 را نقل کرده است (262/6)، آلوسی به نقل از بخاری، مسلم، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی (128/9)، ابن عاشور به نقل از بخاری (133/17)، زحیلی نیز روایت شیخان و دیگران از ابوذر و حاکم از امام علی 7 را آورده است (التفسیر المنیر، 182/17).

2- این سبب نزول را افرادی بدون ذکر سند نقل کرده‌اند (ابن جوزی زاد المسیر، 228/3؛ بغدادی، 252/3؛ ثعالی، 113/4).

سبب نزول دوم این آیات در مورد مؤمنان و کافران اهل کتاب و در یک مورد، اهل اسلام و شرک نقل شده است. روایات مسند این سبب که غالباً به ابن عباس می‌رسد، به وسیله افراد زیر نقل شده است: طبری همراه با نقل از عاصم و کلبی در مورد اهل اسلام و اهل شرک (99/17)، طبرسی از ابن عباس در مورد اهل قرآن و اهل کتاب از



حسن، مجاهد و کلبی در مورد مؤمنان و کافران (123/7)، اندلسی (495/7)، مراغی (102/17)، زحیلی (التفسیر المنیر، 182/17).

این سبب نزول را دو تن بدون ذکر سند گزارش کرده‌اند: مقاتل (120/3)، ملاحویش (165/6).

پنجم. آیه 25: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ... نُذِقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾.

درباره این آیه، دو سبب نزول روایت شده است:

1- پیامبر اکرم **6** و صحابه به قصد عمره عازم مکه شدند. در نزدیکی آنجا، ابوسفیان و یاران او مانع ورود شدند. رسول خدا که دوست نداشتند با آنها بجنگند، در مکانی به نام حدیبیه با مشرکان صلح کرده و از سفر برگشتند؛ مشروط به آنکه سال بعد به مسجدالحرام درآیند.

این سبب را با سند، تنها از ابن عباس نقل کرده‌اند (فخر رازی، 216/23؛ نیشابوری، 75/5؛ آلوسی، 132/9؛ مراغی، 150/17؛ زحیلی، التفسیر المنیر، 188/17). و افرادی بدون ذکر سند یادآور شده‌اند (سمرقندی، 455/2؛ اندلسی، 499/7؛ ثعالبی، 115/4؛ حقی برسوی، 21/6؛ ابن عاشور، 171/17؛ سید قطب، 2417/4).

2- پیامبر **6**، عبدالله بن انس بن خطل (از بنی تیم) را به همراه دو نفر، یکی مهاجر و دیگری انصار، فرستاد. آن دو در نسب به هم تفاخر کردند. ابن خطل خشمگین شد و فرد انصاری را کشت و به دین اسلام کافر شد و به مکه برگشت. در فتح مکه، پیامبر اکرم **6** فرمان قتل او را داد. این سبب در مورد بخش آخر آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... نُذِقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ گزارش شده است.

سبب یادشده را اندک افرادی نقل کرده‌اند: مقاتل بدون سند (121/3-122)، ابن ابی حاتم به نقل از ابن عباس (2484/8)، سیوطی (356/4).

ششم. آیات 52-55: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ... أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ عَقِيمٍ﴾.
 بسیاری از مفسران و مؤلفان در سبب نزول این آیات، «افسانه غرانیق» را گزارش کرده‌اند. هر چند غالباً به نقد آن نیز اقدام ورزیده‌اند و برخی به گزارش نقدگونه و برخی با اشاره به افسانه، تنها به نقد آن پرداخته‌اند.

ابتدا سبب نزول این آیات به روایت تفسیر طبری از محمد بن کعب قرظی و محمد بن قیس گزارش می‌شود: پیامبر خدا ﷺ در یکی از انجمن‌های پرتعداد قریش نشسته بود. آرزو کرد در آن وقت از طرف خداوند، چیزی بر او نازل نشود که به دنبال آن، قریشیان فراری شوند. اما خداوند آیات آغازین سوره نجم ﴿وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّٰ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ﴾ را نازل کرد تا به آیه 19 و 20: ﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْأَعْرَىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ﴾ رسید. در اینجا شیطان دو جمله بر پیامبر اکرم ﷺ القا کرد: «تلك الغرائقُ العلیٰ * و إنَّ شفاعتَهُنَّ لَترجى». حضرت نیز این دو جمله را به زبان آورد و گذشت و ادامه سوره نجم را تا پایان قرائت کرد و در آخر سوره، سجده کرد و همه قوم با او سجده کردند. آنها به آنچه رسول خدا ﷺ به زبان آورده بود، خشنود شدند و گفتند: ما می‌دانیم که خداوند زنده می‌کند و می‌میراند و اوست که می‌آفریند و روزی می‌دهد. اما این بت‌های ما نزد او شفاعت می‌کنند و آنها نصیبی دارند. پس ما همراه تو هستیم.

چون شب فرا رسید، جبرئیل نازل شد و رسول خدا ﷺ آن سوره را بر او عرضه داشت. وقتی به آن دو جمله شیطانی رسید، جبرئیل گفت: من این دو جمله را نیاورده‌ام! آن‌گاه رسول خدا ﷺ گفت: من به خداوند تهمت زده‌ام و آنچه را نگفته بود، بر زبان جاری کردم و پیوسته ناراحت و اندوهگین بود که آیات مورد بحث نازل شد (طبری، 131/17). این سبب، با اندکی تفاوت، از صحابه و تابعان زیر نقل شده است:

- 1- روایت محمد بن کعب قرظی و محمد بن قیس: روایت این دو را افرادی گزارش داده‌اند: طبری از دو طریق، و از محمد بن کعب به تنهایی (131/17)، طوسی تنها از محمد بن قیس (329/7)، بغوی فقط از محمد بن کعب، (346/3)، ابن کثیر با اشاره به مرسل بودن سند (388/5).
- 2- روایت ابن عباس: روایت وی را این افراد نقل کرده‌اند: طبری (133/17)، سمرقندی از طریق ابوصالح و سعید بن جبیر (465/2)، طوسی (329/7)، بغوی (346/3)، طبرسی (144/7)، نیشابوری (93-91/5)، بغدادی همراه با نقد (260/3)، ابن کثیر از طریق ابوصالح (388/5)، سیوطی از چهار طریق: سعید بن جبیر، عوفی، ابوصالح و عکرمة (الدر المثور، 366/4)، مظهري گزارش مطالب سیوطی را آورده است (338/6).



- 3- روایت سعید بن جبیر: روایت وی را مفسرانی بیان کرده‌اند: طبری به دو طریق، (133/17)، ابن ابی حاتم (2500/8)، طوسی (329/7)، ابن کثیر به نقل از ابن ابی حاتم و متصل دانستن فقط همین سند (387/5)، سیوطی به نقل از افرادی (الدر المثنور، 366/4)، زحیلی (التفسیر المنیر، 247/17).
- 4- روایت ضحاک: این روایت را افرادی آورده‌اند: طبری (133/17)، طوسی (329/7)، سیوطی به نقل از طبری (الدر المثنور، 367/4).
- 5- روایت ابن شهاب: روایت زهری (ابن شهاب) را این افراد گزارش داده‌اند: ابن ابی حاتم (2501/8)، ابن کثیر به نقل از ابن ابی حاتم (388/5)، سیوطی مانند ابن کثیر (الدر المثنور، 367/4)، سید قطب همانند ابن کثیر (2431/4).
- 6- سایر تابعان: این سبب را مفسرانی به نقل از عده‌ای دیگر از تابعان نیز نقل کرده‌اند: طبری از ابوالعالیه (133/17)، ابن ابی حاتم به نقل از ابوالعالیه، قتاده و سدی (2251/8)، سمرقندی به نقل از سدی و قتاده (465/2)، فخر رازی به نقل از قتاده و ضعیف دانستن سند آن (239/23)، نیشابوری به نقل از قتاده (91/5)، ابن کثیر از سدی، (388/5)، سیوطی از ابوصالح، قتاده، مجاهد و عکرمه (الدر المثنور، 366/4).
- 7- بدون ذکر سند: این افراد سبب را بدون ذکر سند یاد کرده‌اند: مقاتل (132/3)، زمخشری (164/3)، ابن عطیه (128/4)، ابن جوزی (زاد المسیر، 244/3)، فخر رازی همراه با باطل و ساختگی بودن روایت با استناد به قرآن، سنت و عقل (237/23)، قرطبی: نقل و نقد (86-80/13)، نیشابوری: نقل و نقد، (90/5)، اندلسی: اشاره و نقد و رد آن (526/7)، ابن کثیر: ارسال و ضعف سند روایات (387/5)، بیضاوی: مردود بودن آن نزد عالمان محقق (75/4)، ثعالبی: نقل و نقد (131/4)، حقی برسوی: نقل نقدگونه (49/6)، ملاحویش: نقد سرسختانه افسانه (185/6)، مراغی: اشاره و باطل دانستن آن به دلایل مختلف (130/17)، زحیلی: گفتار گذشتگان در مردود و نادرست بودن آن (التفسیر المنیر، 247/17).

ب) تحلیل و نقد

سند این روایات غالباً به صحابه می‌رسد. در میان آنها، ابن عباس نقش بسزایی دارد. در میان تابعان نیز شاگردان بی‌واسطه و باواسطه وی نمود بیشتری دارند. نقد و ردّ روایات نادرست (در مورد سبب نزول آخر) در گفتار برخی از مفسران محقق، از قرن ششم همانند فخر رازی (606ق) آغاز می‌شود و تا عصر حاضر ادامه دارد. بر اساس این روایات - به جز سبب آخر - نزول پراکنده سوره حج در مدینه بین سال‌های دوم (جنگ بدر) تا هشتم (فتح مکه) به دست می‌آید؛ هر چند می‌توان این دوره زمانی را محدود کرد (ادامه همین نوشتار).

ملاحویش سبب نزول نخست در مورد آیات 19-22 و نزول آن را در خصوص مبارزان جنگ بدر بدون توجیه می‌داند و اختصاص مورد اشاره را نه در جنگ، بلکه در دین و بین مؤمنان و کافران در ادیان آسمانی ذکر می‌کند که این امر پس از جنگ بدر و با فاصله زمانی از آن پیش آمده است (ملاحویش، 165/6). اما در توجیه آن می‌توان گفت مبارزان جنگ بدر از مصادیق اهل ایمان و اهل کفر هستند که خداوند با گذشت حدود سه سال، شأن و حال آنها را در این آیات گزارش می‌کند. این توجیه در سبب نزول آیات 8-9 سوره حج نیز بدون وجه نیست.

سبب نزول آیات 52-55 (افسانه غرانیق) چه به اعتبار سند و چه به اعتبار متن و به دلایلی از قرآن و سنت و عقل، باطل و مردود است. این مطالب در گفتار مفسران قابل توجه است (فخر رازی، 241-237/23؛ قرطبی، 86-80/13؛ نیشابوری، 93-90/5؛ بغدادی، 262-260/3؛ اندلسی، 526/7؛ ابن کثیر، 389-387/5؛ بیضاوی، 75/4؛ ثعالبی، 133-131/4؛ حقی برسوی، 49/6؛ ملاحویش، 185/6؛ مراغی، 130/17؛ زحیلی، التفسیر المنیر، 248-247/17؛ سید قطب، 2433-2431/4).

ضوابط و ویژگی‌های شناخت مکی و مدنی

عده‌ای از عالمان و مفسران برای شناخت مکی و مدنی، علاوه بر راه سماعی - که بخش‌های پیشین این نوشتار بر آن استوار بود - راهی شبه قیاسی نیز می‌پیمایند. اساس این راه، ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی است. در این بخش، سوره حج



بدین اعتبار مورد بررسی قرار می‌گیرد. مراد از ضوابط در این علم، اصولی است که غالباً به خصوصیات الفاظ ارتباط دارد و مراد از ویژگی‌ها، اموری است که به ویژگی‌های اسلوب و معنا وابستگی دارد.

قبل از ورود به بحث، توجه به این نکته بسیار ضروری است که هر یک از ضوابط ممکن است تعدادی از سوره‌های مکی یا مدنی را شامل شود و در موارد استثنایی، به تنهایی الزامی برای اثبات امر به حساب نمی‌آید. خصوصاً در مورد ویژگی‌ها که فقط اموری شایع و پرکاربرد در سوره‌های هر بخش است و موارد استثنایی آنها به مراتب بیشتر از ضوابط است.

الف) ضوابط سوره‌های مکی و مدنی

این ضوابط به اعتبار سوره‌های مکی و مدنی به دو دسته قابل تقسیم است:

1. ضوابط سوره‌های مکی

بیشتر ضوابط سوره‌های مکی مانند حروف مقطعه، واژه «کَلَّا»، داستان آدم و ابلیس و قرار گرفتن در دسته سوره‌های مفصل، مکی بودن سوره حج را به دست نمی‌دهد. اما دو ضابطه نیاز به تأمل دارد:

اول: سوره‌هایی که در آن «یا ایها الناس» آمده، ولی «یا ایها الذین آمنوا» نیامده، مکی‌اند (هروی، 222؛ زرکشی، 276/1؛ سیوطی، الاتقان، 68/1؛ حسین احمد، 162/1). هرچند بخش اول این ضابطه مکی بودن سوره را می‌رساند، اما بخش دوم، حج را از آن خارج می‌سازد. وجود هر دو تعبیر در سوره‌های مدنی بدون اختلاف همچون بقره، نساء و حجرات، به عدم کارایی این ضابطه در اثبات مکی بودن حج کمک می‌کند.

دوم: سوره‌هایی که آیه سجده در آن قرار دارد، مکی‌اند (سیوطی، الاتقان، 68/1؛ زرقانی، 197/1؛ صبحی صالح، 181). تنها بر اساس این ضابطه، مکی بودن سوره حج به دست می‌آید. سیوطی در آداب تلاوت قرآن، چهارده آیه را برمی‌شمارد که هنگام قرائت، سجده در آنها تشریح شده است که دو آیه از آنها در سوره حج قرار دارد (سیوطی، الاتقان، 381/1). ظاهراً مراد آیه 18 ﴿لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ...﴾ و آیه 77 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ...﴾ است.

هر چند سوره‌هایی که این چهارده آیه در آن قرار دارد، مکی‌اند، اما در این ضابطه روشن نیست که چه ساختاری از سجده مورد نظر است و اگر همه ساختارهای آن مورد نظر باشد، در سوره‌های مدنی زیادی همچون بقره، نساء و فتح کاربرد دارد. افزون بر اینکه عالمان شیعه تنها چهار سوره را دارای سجده واجب می‌دانند، از این رو این ضابطه نمی‌تواند الزام‌آور باشد. از سوی دیگر، خود سیوطی به مدنی بودن سوره حج نظر دارد و روایاتی را گرد می‌آورد که بر مدنی بودن آن دلالت می‌کند (سیوطی، الدر المنثور، 356-342/4).

2. ضوابط سوره‌های مدنی

سوره‌های مدنی نیز ضوابطی دارند:

1- هر سوره‌ای که در آن فریضه (واجب) و سنت (مستحب) آمده، مدنی است (زرکشی، 275/1؛ سیوطی، الاتقان، 69/1).

برخی از احکامی که از این سوره به دست می‌آید، عبارتند از: بیان حرمت مسجدالحرام، فریضه حج و منافع، شعائر، مناسک و ذبایح آن در آیات 25-37 و دقت به وجوب حج پس از هجرت (زحیلی، التفسیر المنیر، 149/17؛ سید قطب، 2405/4؛ طنطاوی، 267/9)، اذن به قتال و وعده نصرت الهی در آیات 39-40 و فرمان به جهاد در آیه 78 و توجه به وجوب جهاد پس از هجرت (همان)، امر به معروف و نهی از منکر در آیه 41، عقاب به مثل و قصاص در آیه 60 و اجازه به قصاص پس از هجرت (همان)، اقامه نماز و پرداخت زکات در آیه 41 و فرمان به آنها در آیه 78.

2- هر سوره‌ای که در آن فرمان جهاد و احکام آن آمده است، مدنی است (زرقانی، 198/1؛ صبحی صالح، 183).

3- سوره‌هایی که در آن «یا ایها الذین آمنوا» آمده، مدنی‌اند (زرکشی، 277/1؛ سیوطی، الاتقان، 68/1؛ زرقانی، 197/1). در این سوره یک بار «یا ایها الذین آمنوا» (آیه 77) و هفت بار «الذین آمنوا» به کار رفته است (آیات 14، 17، 23، 38، 50، 54، 56).



3. نتیجه

با توجه به ضوابط یادشده، به روشنی مدنی بودن «حج» قابل استنتاج است.

ب) ویژگی‌های سوره‌های مکی و مدنی

برای هر دسته از سوره‌های مکی و مدنی، علاوه بر ضوابط، ویژگی‌هایی نیز در منابع مورد توجه است که به‌طور کلی به دو بخش اسلوبی و موضوعی تقسیم می‌شود.

1. ویژگی‌های سوره‌های مکی

این خصوصیات، جداگانه نقل و بررسی می‌شوند.

یکم. ویژگی‌های اسلوبی

شماری از این ویژگی‌ها به اعتبار اسلوب است. بر اساس خصایص اسلوبی سوره‌های مکی، مانند کوتاهی آیه‌ها و سوره‌ها، فراوانی اسلوب تأکید و الفاظ تثبیت معنا، فراوانی فواصل و تعبیر و وزن و سجع نیرومند، مکی بودن حج اثبات نمی‌شود.

دوم. ویژگی‌های موضوعی

تعدادی از این خصوصیت‌ها به اعتبار موضوع و مضمون است؛ همچون تثبیت اصول اعتقادی، سخن از عادات و رسوم زشت و ناپسند، دعوت به اصول اخلاقی و حقوق اجتماعی و توجه به داستان انبیا و اخبار امت‌های پیشین.

سوره‌های مکی در مورد اصول اعتقادی، بیشتر سه معنا را گزارش می‌کنند: نخست اثبات توحید خداوند و نفی شرک و بت‌پرستی. دوم تثبیت نبوت نبی اکرم **ص** و جهانی بودن رسالت ایشان. سوم اثبات امر قیامت و جهان آخرت. پس از این سه، ترغیب و ترهیب، امثال و قصص، ذکر بهشت و دوزخ و توصیف روز قیامت می‌آید (شاطبی، 416/3؛ زرقانی، 202/1؛ حسین احمد، 169/1).

هر چند این خصوصیت امری شایع در سوره‌های مکی است و برخی از اصول اعتقادی در سوره حج مورد تأکید و تثبیت است و چه بسا توجه به این خصوصیت، مهم‌ترین دلیل افرادی باشد که بخش‌هایی از سوره حج را مکی به حساب آورند، اما در نظر گرفتن نکاتی، مورد اهمیت است.

حج با اصل اعتقادی سوم (معاد) آغاز می‌شود و در هفت آیه نخست، ترس‌ها و سختی‌های روز قیامت، ادله بعث و بیان جلوه‌های آن مطرح می‌شود (رک: زحیلی، التفسیر المنیر، 149/17). اما این ویژگی اختصاص به سوره‌های مکی ندارد و در برخی سوره‌های مدنی نیز مورد یادکرد است؛ همچون بقره، 4، 28، 123، 259؛ آل عمران، 25؛ نساء، 87؛ احزاب، 63؛ مجادله، 6 و سوره زلزال. همچنین روایات سبب نزول که بر مدنی بودن دو آیه نخست سوره - آغاز و رکن بحث - تأکید دارد، الزام به مکی بودن را برطرف می‌سازد.

اما به اصل اعتقادی دوم (نبوت) و اصل بحث، عنایتی خاص نیست. فقط در آیات 42-57، پیامبر اسلام 6 به‌خاطر تکذیب و اذیت قوم خود، مورد تسلیت و آرامش قرار می‌گیرد که انبیای پیشین نیز مورد تکذیب اقوام خودشان واقع شدند و کافران و ظالمان آنها به عذاب و هلاکت توسط خداوند دچار آمدند. در ادامه، وظیفه آن حضرت به انذار تکذیب‌کنندگان و تبشیر مؤمنان، محدود و منحصر می‌شود. سپس القائنات شیطانی را در گفتار رسولان و انبیای الهی و از جمله رسول خدا 6، منسوخ و بی‌اثر می‌خواند و آنها را در مورد وی، دستاویزی برای بیمار دلان و سنگدلان و وسیله‌ای برای خضوع و یقین و هدایت مؤمنان و اثبات حقانیت قرآن می‌داند.

تکذیب انبیا و رسولان و پیامبر اسلام 6 گذشته از سوره‌های مکی، در برخی سوره‌های مدنی نیز گزارش می‌شود؛ همچون آل عمران، 184؛ توبه، 9؛ فتح، 13؛ تغابن، 6. نیز تسلیت و تثبیت پیامبر اکرم 6 هر چند بیشتر در سوره‌های مکی، ولی در دو سوره مدنی هم نقل می‌گردد: آل عمران، 176؛ توبه، 4. تنها بشیر و نذیر بودن وی نیز بیشتر در بخش مکی، ولی در مدنی هم کاربرد دارد: بقره، 119؛ احزاب، 45؛ فتح، 8. نسخ هم علاوه بر حج، فقط یک بار دیگر در بقره، 106 کاربرد دارد. گذشته از همه، اصل نبوت در برخی سوره‌های مدنی نیز نقل می‌شود: آل عمران، 144 و 164؛ نساء، 79؛ توبه، 33؛ احزاب، 45؛ جمعه، 2-4.

اما اصل اعتقادی اول (توحید) در آیات پایانی سوره (61-76) مورد توجه است و با استدلال به نظام دنیا (قدرت خداوند بر آفرینش شب و روز، آسمان و زمین، زنده‌سازی و میراندن، علم به همه موجودات و...)، توحید اثبات می‌شود و با تحدی



مشرکان به اینکه بت‌هایشان حتی توان خلقت مگسی را ندارند - چه رسد به انسان و جهان - شرک و بت‌پرستی محکوم می‌گردد. ولی دعوت به توحید نیز اختصاص به سوره‌های مکی ندارد و در سوره‌های مدنی نیز مورد توجه است: بقره، 22، 133، 164؛ آل عمران، 2، 64؛ نور، 55؛ محمد، 19.

اما به اعتبار سه خصوصیت دیگر (سخن از عادات و رسوم زشت و ناپسند، دعوت به اصول اخلاقی و حقوق اجتماعی و توجه به داستان انبیا و اخبار امت‌های پیشین)، مکی بودن اثبات نمی‌شود.

2. ویژگی‌های سوره‌های مدنی

سوره‌های مدنی نیز ویژگی‌هایی به اعتبار اسلوب و موضوع دارند.

یکم. ویژگی‌های اسلوبی

ویژگی طولانی بودن سوره‌ها و آیه‌ها، مدنی بودن را به دست می‌دهد، ولی بر اساس ویژگی اسلوب آرام و استدلالی روشن در رویارویی با اهل کتاب و اسلوب تحقیر در مقابله با منافقان، شاید از آن رو که این افراد در سوره حج مورد خطاب نیستند، ظهوری ندارد. نبود این اسلوب در سوره‌های مدنی دیگر همانند حجرات، تغابن، طلاق، تحریم و زلزال، دلیلی بر مدنی بودن حج است.

دوم. ویژگی‌های موضوعی

ویژگی‌های موضوعی سوره‌های مدنی که در این سوره وجود دارد، عبارت است از:
1- بیان جزئیات تشریح و تفصیل احکام (زرقانی، 202/1؛ صبحی صالح، 183). احکام مربوط به حج در این سوره به تفصیل آمده است و نیز احکام دیگر.
2- تشریح جهاد و فلسفه و احکام آن (زرقانی، 202/1؛ صبحی صالح، 183؛ حسین احمد، 169/1). اذن به قتال در آیات 39-40 و فرمان به جهاد در آیه 78 ذکر شده است.
هرچند از دو خصوصیت دیگر «آشکار ساختن حالت منافقان و روشن کردن رسوایی آنها و پرهیز دادن از آنها» و «دعوت اهل کتاب به اسلام و اقامه دلیل علیه آنها» خبری نیست و این امر به مدنی بودن آسیبی نمی‌رساند؛ زیرا این گونه نیست که همه ویژگی‌ها در یک سوره وجود داشته باشد.

3. نتیجه

بر اساس ضوابط سوره‌های مکی و ویژگی‌های آنها، الزامی بر مکی بودن سوره حج به دست نیامد و طبق این امور، سازگاری با سوره‌های مدنی، بیشتر حاصل شد. حال اگر در نام‌گذاری سوره‌ای به مکی و یا مدنی، سرآغاز آیات آن یا بیشتر آیات آن معتبر باشد، به هر یک از دو اعتبار، حج را باید مدنی به حساب آورد (زرقانی، 199/1) و اگر اصل در سوره‌های مکی آن باشد که همه آیاتش مکی و در سوره‌های مدنی، همه آیاتش مدنی باشد و استثنا شدن تنها به وسیله روایات با سند صحیح، متن صریح و دور از تعارض ثابت شود، وجود آیات مکی در سوره‌های مدنی بسیار اندک می‌شود؛ هر چند حالت دیگر آن نیز کاربرد زیادی ندارد (رشید رضا، 284/7) و حتی بهتر آن است که گفته شود اگر به دلیلی محکم و استوار، مدنی بودن بخشی از یک سوره اثبات شود، ترجیح دارد که آن سوره، مدنی به حساب آید و سعی در سازگاری سایر بخش‌ها و آیات با یک سوره مدنی صورت پذیرد. در نتیجه - همان طور که در این بخش تلاش گردید - سوره حج و همه آیات آن، مدنی است.

تاریخ‌گذاری سوره حج

اکنون می‌توان به محدوده زمانی نزول سوره حج پی برد. با همین هدف با نیم‌نگاهی به مباحث گذشته، نتیجه طبیعی مباحث به دست می‌آید.

1. تاریخ‌گذاری با توجه به روایات ترتیب نزول سوره‌ها

با عنایت به روایات ترتیب نزول سوره‌ها، هم مدنی بودن حج و هم نزول ترتیبی آن در محدوده میانی سوره‌های مدنی و هم نزول قبل از سوره منافقون به دست آمد. حال اگر منافقون - که در مدنی بودن آن هیچ اختلافی نیست - در زمره سوره‌هایی باشد که در مرحله میانی مدینه نازل شده باشد (صبحی صالح، 231)، حج هم کمی قبل از آن یا معاصر آن نزول یافته است. از طرف دیگر، روایات سبب نزول منافقون - در اکثر قریب به اتفاق - بر زمان نزول سوره در جریان غزوه بنی‌المصطلق و فتنه‌انگیزی عبدالله بن اُبی (سرکرده منافقان) دلالت دارد (طبری، 74/28-76؛ سمرقندی، 452/3؛ ثعلبی، 321/9؛



بغوی، 101-99/5؛ زمخشری، 543-541/4؛ ابن عطیه، 311/5؛ طبرسی، 443/10؛ ابن جوزی، زاد المسیر، 286/4؛ فخر رازی، 548/3؛ قرطبی، 120/19؛ نیشابوری، 305/6؛ بغدادی، 299/4؛ اندلسی، 178/10؛ ابن کثیر، 154-152/8؛ ثعالبی، 436-434/5؛ سیوطی، الدر المنثور، 222/6، بدون اشاره به بنی‌المصطلق؛ مظهري، 307-301/9؛ آلوسی، 304/14؛ ملاحویش، 197/6؛ مراغی، 111/28؛ ابن عاشور، 208/28؛ زحیلی، التفسیر المنیر، 222/28؛ همو، التفسیر الوسیط، 2662/3؛ سید قطب، 3579-3575/6؛ طنطاوی، 397/14 و ...). در این حالت اگر جنگ بنی‌المصطلق از حوادث سال پنجم هجری باشد، زمان نزول حج اندکی قبل یا معاصر آن برآورد می‌شود.

2. تاریخ‌گذاری بر اساس روایات سبب نزول سوره حج

هر چند روایات سبب نزول سوره، زمان نزول آن را بین سال‌های دوم تا هشتم در جریان می‌داند، اما با سازگاری و تناسب آنها می‌توان این دوره تاریخی را محدود ساخت. بدین ترتیب که آیات نخست سوره (بنا به سبب نزول اول و روایت ابن عباس) در آغاز جنگ بنی‌المصطلق و قبل از درگیری و پیروزی، در سال پنجم نازل شد. در ادامه و در آیات 3 و 8-9، مسلمانان از مجادله بی‌جا در مورد خداوند بازداشته می‌شوند که اگر چنین کنند، همانند سران مشرکان، در دنیا به خفت و خواری و در آخرت، به آتشی سوزان دچار آیند و طبق سبب نزول، به سرنوشت بد و هلاکت دو تن از سردمداران این امر در جریان جنگ بدر (حدود سه سال قبل از آن) اشاره می‌شود (گفتار ابن زبیر). سپس در آیات 11-13، به عبادت همراه با یقین و بدون تردید فرا خوانده می‌شوند (روایت ضحاک). آن‌گاه در آیات 19-24، دشمنان جنگجوی کافر به انواع عذاب‌های اخروی وعید می‌یابند و جنگجویان مؤمن، به بهشت و زینت‌های آن وعده داده می‌شوند و این امر خود می‌تواند نویدی بر پیروزی مؤمنان و تهدیدی بر شکست کافران در جنگ به حساب آید و بر اساس سبب نزول (قول مجاهد)، نمونه‌ای از آن در جنگ بدر ذکر می‌شود.

در اینجا می‌توان احتمال داد که نزول آیات حج متوقف می‌شود و طبق وعده خداوند، مؤمنان پیروز می‌شوند و دشمنان شکست می‌خورند، اما در جریان و پایان

جنگ، فتنه‌انگیزی منافقان جلوه می‌کند و به اوج می‌رسد که به دنبال آن، سوره منافقون یکجا نازل می‌شود. سپس با گذشت زمان، نزول حج از سر گرفته می‌شود و طی آیات 25-38، فریضه حج تشریح می‌شود و احکام آن تفصیل می‌یابد، اما بنا به روایت سبب نزول، به مانع شدن مشرکان از انجام این فریضه تا یکی دو سال بعد (زمان صلح حدیبیه، ششم هجری) منجر می‌شود (سخن حسن بصری). بر این اساس، تاریخ نزول سوره حج در محدوده سال پنجم هجری تخمین زده می‌شود.

نقش تاریخ‌گذاری سوره حج در تفسیر آن

بخشی از اقدامات مفسران به اظهار نظر درباره مکی و مدنی بودن، ترتیب نزول (تعیین سوره قبل و سوره بعد) و طرح آیات مستثنیات در سوره‌ها برمی‌گردد. مفسران در تفسیر سوره حج، در این حوزه اختلاف کرده‌اند. توجه به تاریخ نزول سوره، سخنان زیادی را که به مکی بودن همه سوره یا آمیخته‌ای از مکی و مدنی بودن آن و حتی مستثنی بودن بخش‌هایی از آن دلالت دارند، با نقد و اشکال روبه‌رو می‌کند.

یکی دیگر از اقدامات مفسران، بیان اهداف و مقاصد اصلی و فرعی سوره‌ها یا کشف تناسب و ارتباط آیات و بخش‌های آنهاست. با این همه، چنان نیست که مفسران زیادی به این امر مبادرت ورزیده باشند، اما توجه به تاریخ‌گذاری، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند. در نظر گرفتن واقعیت‌های عصر رسالت، حرکت و سیر دعوت، ارتباط متن قرآن و زمان نزول بخش‌های گوناگون آن بسیار به هم وابسته‌اند. از این رو تأثیر این اقدام در نابجا نشان دادن پاره‌ای از برداشت‌ها و گفتارهای مفسران و ترجیح برخی دیگر از آرا و مطالب تفسیری و در نهایت کمک به شناخت صحیح قرآن، خواه ناخواه روشن است.

یکی دیگر از اقدامات مفسران، توجه به روایات سبب نزول و نقل آنهاست. این روایات خود یکی از ابزارهای تاریخ‌گذاری سوره‌ها به‌شمار می‌روند، اما میان تاریخ‌گذاری برخی از سوره‌ها و اعتبارسنجی برخی از اسباب نزول آنها رابطه‌ای دوسویه برقرار است؛ به این معنا که تاریخ‌گذاری خود در اعتبارسنجی و ترجیح یا ردّ اسباب نزول مؤثر است؛ چنان‌که تاریخ‌گذاری سوره حج، مردود بودن سبب نزول آیات 52-55 آن را به دست می‌دهد.



نتایج

1- سوره حج مدنی‌النزول است. نزول آن به حدود سال پنجم هجری برمی‌گردد و ترتیب نزول آن، پس از سوره نور و قبل از سوره منافقون است؛ زیرا روایات ترتیب نزول سوره‌ها و اسباب نزول بخش‌های گوناگون سوره، این نتیجه را نشان می‌دهند. ضمن آنکه نتیجه تطبیق ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی و تحلیل آنها، مدنی دانستن همه آیات سوره حج است.

2- دیدگاه بیشتر مفسران درباره مکی بودن همه سوره حج یا آمیخته‌ای از مکی و مدنی بودن آن، با نقد جدی روبه‌رو است؛ زیرا این گروه از مفسران یا به همه روایات و آثار وارده در این حوزه نگرشی فراگیر نداشته‌اند، یا از تناسب آیات سوره با یکدیگر و بررسی محتوای آن غفلت ورزیده‌اند.

3- تاریخ‌گذاری سوره حج عاملی مؤثر در شناخت بهتر و دقیق مفاهیم سوره و ترجیح روایات و سخنان مفسران درباره مکان و ترتیب نزول این سوره به‌شمار می‌رود؛ زیرا هم نشان‌دهنده عدم صحت و اعتبار گفتار مفسران در مکی بودن همه سوره یا آمیخته‌ای از مکی و مدنی بودن یا مستثنا بودن دسته‌ای از آیات آن است، هم به کشف تناسب و ارتباط آیات سوره با یکدیگر کمک می‌کند، و هم مردود بودن برخی روایات سبب نزول، خصوصاً افسانه مرتبط با آیات 52-55 سوره را تأکید می‌کند.

منايع و مأخذ

1. قرآن كريم.
2. آل غازي، ملاحويش عبدالقادر؛ بيان المعاني، دمشق، مطبعة الترقى، 1382ق.
3. آلوسي، سيد محمود؛ روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415ق.
4. ابن ابي حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسير القرآن العظيم، عربستان، مكتبة نزار مصطفى الباز، 1419ق.
5. ابن جوزي، ابوالفرج عبدالرحمن؛ زاد المسير في علم التفسير، بيروت، دارالكتب العربي، 1422ق.
6. _____ ؛ فنون الأفتنان في عجائب علوم القرآن، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، 1422ق.
7. ابن ضريس، محمد بن ايوب؛ فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمكة و ما أنزل بالمدينة، دمشق، دارالفكر، 1408ق.
8. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحرير و التنوير، بي جا، بي نا، بي تا.
9. ابن عطيه اندلسي، عبدالحق بن غالب؛ المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، بيروت، دارالكتب العلمية، 1422ق.
10. ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمرو؛ تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالكتب العلمية، 1419ق.
11. ابن نديم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست، بيروت، دار المعرفة، 1417ق.
12. اندلسي، ابوحيان محمد بن يوسف؛ البحر المحيط في التفسير، بيروت، دار الفكر، 1420ق.
13. بغدادى، علاء الدين على بن محمد؛ لباب التأويل في معاني التنزيل، بيروت، دارالكتب العلمية، 1415ق.
14. بغوى، حسين بن احمد؛ معالم التنزيل في تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1420ق.
15. بلخي، مقاتل بن سليمان؛ تفسير مقاتل، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1423ق.
16. بيضاوى، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزيل و أسرار التأويل، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1418ق.



17. بیهقی، احمد بن حسین؛ دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشريعة، بيروت، دارالکتب العلمية، 1405ق.
18. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد؛ جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1418ق.
19. ثعلبی، احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1422ق.
20. حسانکی، عبیدالله بن احمد؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، 1411ق.
21. حسین احمد، عبدالرزاق؛ المکی و المدنی فی القرآن الکریم، قاهره، دار ابن عفان، 1420ق.
22. حقی برسوی، اسماعیل؛ تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا.
23. رشید رضا؛ تفسیر القرآن الکریم (المنار)، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب، 1990م.
24. زحیلی، وهبة بن مصطفى؛ التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، بیروت و دمشق، دار الفکر المعاصر، 1418ق.
25. _____؛ التفسیر الوسیط، دمشق، دار الفکر، 1422ق.
26. زرقانی، عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار الفکر، 1408ق.
27. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، 1415ق.
28. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل، بیروت، دارالفکر، بی تا.
29. زُهری، محمد بن مسلم؛ النسخ و المنسوخ و تنزیل القرآن بمکة و المدینة، بغداد، وزارت آموزش عالی، 1411ق.
30. سمرقندی، نصر بن محمد؛ بحر العلوم، بی جا، بی نا، بی تا.
31. سیوطی، جلال الدین؛ الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، منشورات رضی، بی تا.
32. _____؛ التحبیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الفکر، 1421ق.
33. _____؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، 1404ق.
34. سید قطب، ابن ابی ابراهیم شاذلی؛ فی ظلال القرآن، بیروت و قاهره، دار الشروق، 1412ق.
35. شاطبی، ابراهیم بن موسی؛ الموافقات، قاهره، دار ابن عفان، 1421ق.

36. صبحی صالح؛ مباحث فی علوم القرآن، بیروت، دار العلم للملایین، 1988م.
37. طبرسی، فصل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، 1372ش.
38. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار المعرفه، 1412ق.
39. طنطاوی، سید محمد؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا، بی نا، بی تا.
40. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
41. فخر رازی، محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420ق.
42. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، 1364ش.
43. مراغی، احمد بن مصطفی؛ تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
44. مظہری، محمد ثناء اللہ؛ التفسیر المظہری، پاکستان، مکتبہ رشدیہ، 1412ق.
45. نحاس، محمد بن احمد بن اسماعیل صفار؛ النسخ و المنسوخ فی القرآن، بیروت، مؤسسة الكتب الثقافية، بی تا.
46. نکونام، جعفر؛ در آمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما، 1380ش.
47. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد؛ تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت، دار الكتب العلمية، 1416ق.
48. هروی، ابو عبید قاسم بن سلام؛ فضائل القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1426ق.